

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روایاتی که مربوط به تقیه مداراتیه با اهل سنت بود خواندیم و اما چند روایت منافی با آن روایات داریم من جمله خبر ۷ و ۸ از باب ۶ از ابواب صلوة جماعه که خبر ۷ این است: « وعنه ، عن احدبن محمد ، عن أبيه ، عن ابن المغيرة ، عن ناصح المؤذن قال : قلت لأبي عبدالله (ع) : إني أصلي في البيت و أخرج إليهم ، قال : اجعلها نافلة و لا تكبر معهم فتدخل معهم في الصلاة ، فإن مفتاح الصلاة التكبير » . ناصح مؤذن توثیق نشده است و این خبر دلالت دارد بر اینکه با عامه نماز نخوان و با آنها تکبیر نگو چرا که مفتاح صلوة تکبیر است و فقط در ظاهر با آنها باش و اگر با آنها نماز خواندی آن را آن را نافله حساب کن .

و اما خبر ۸ این خبر است: « و عنه ، عن القاسم بن عروة ، عن عبيدبن زرارة ، عن أبي عبدالله (ع) ، قال : قلت : إني أدخل المسجد و قد صليت فأصلي معهم ، فلا أحتسب بتلك الصلاة ؟ قال : لا بأس ، و اما أنا فأصلي معهم وأريهم أني أسجد و ما أسجد » . قاسم بن عروة مجهول الحال می باشد و این دو خبر ضعیف السند می باشند و منافی با آن اخباری که قبلاً خواندیم هستند و علاوه بر آن مخالف با عمل فقهای ما هم می باشند چرا که شیخ طوسی و شیخ مفید در نمازهای آنها شرکت می کردند و در درسهای همدیگر شرکت می کردند یعنی برای حفظ اسلام لازم بوده که به این صورت عمل کنند بنابراین هر قدر که ما با آنها ارتباط بیشتری داشته باشیم هم به نفع ما و هم به نفع آنها می باشد و از طرفی به ضرر دشمن می باشد و هر قدر که ما از آنها فاصله بگیریم به ضرر خودمان و به نفع دشمن خواهد بود .

خوب تا به حالا بحث کردیم و خواهیم کرد که اگر انسان عملی را تقیةً موافق با عامه انجام دهد حکمش چیست ولی حالا در بین

این بحث می خواهیم ببینیم اگر انسان تقیةً مأموریه را ترک کرد مثلاً روزه نگرفت حکمش چیست ؟ مسلماً در این صورت دیگر بحث اجزاء مطرح نیست زیرا اجزاء در جایی است که انسان عملی را تقیةً انجام دهد و حضرت امام (ره) هم در ص ۴۲ در رساله تقیه خودشان متعرض به این بحث شده اند و فرموده اند: « إذا اتخذ التقية ترك مأموریه رأساً كترك الصوم في يوم تعييد الناس و امثاله اجزاء في مثله لا معنى له ، ففرق بين إتيان الصوم إلى سقوط الشمس تقيةً و ترك الصوم رأساً لأجل الثبوت الهلال عندهم ففي الأول يقع البحث في الإجزاء دون الثاني وفقاً في بعض الكلمات من التسوية بينهما بغير محل » در قسمت پایانی فرمایش حضرت امام شخصی حاشیه ای نوشته و گفته صاحب جواهر و صاحب عروة قائل به مساوی بودن آنها هستند که این حاشیه اشتباه است زیرا بنده کتابهای این دو بزرگوار را نگاه کردم ولی نظرشان این نبود ، خلاصه بحث در این است که اگر کسی عملی را تقیةً ترک کرد دیگر بحث اجزاء در اینجا متمشی نیست زیرا عمل را ترک کرده فلذا باید بعداً قضای آن را بجا بیاورد و قبلاً روایاتی را خواندیم که مؤید این حرف می باشد (خبر ۵ از باب ۵۷ از ابواب مایمسک عنه الصائم) این اخبار سنداً ضعیف هستند ولی خوب حضرت امام به آنها استشهاد کرده اند البته اصل مطلب درست است یعنی بین اتيان عمل تقیةً و ترك عمل تقیةً رأساً فرق می باشد .

خوب بحث دیگری که دیروز شروع کردیم بحث مندوحة بود و بحث مندوحة این بود که آیا تقیه کردن در برابر عامه باید در جایی باشد که ما مندوحة (چاره) نداشته باشیم یعنی آیا عدم المندوحة شرط اجزاء و صحت و ثواب و فضیلت می باشد یا نه ؟ عده ای اخبار را حمل می کنند بر جایی که مندوحة نیست و می گویند اگر چاره ای داشته باشد نباید پشت سر آنها نماز بخواند ولی ما می گوئیم که اعم می باشد زیرا ما روایاتی داریم که به ما دستور می دهند که بروید پشت سر آنها نماز بخوانید اگر این کار را کنید مثل این است که پشت سر پیغمبر (ص) نماز خوانده آید .

خوب دیروز هم عرض کردیم که صاحب جواهر در ص ۲۳۸ از جلد ۲ جواهر در بحث وضو و فقیه همدانی هم در ص ۱۶۴ از کتاب طهارت متعرض به این بحث شده اند و فرموده اند که عدم المندوحة شرط نیست و اگر مندوحة هم داشته باشی بروی و پشت سر آنها نماز بخوانی همان ثواب را می بری . شیخ طوسی در ص ۹۷ از جلد ۱ خلاف در مسئله ۴۳ و علامه در ص ۱۷۲ از جلد ۱ تذکره در مسئله ۵۳ این بحث را در ضمن بحث وضو مطرح می کنند . صاحب عروة در بحث وضو در فصل افعال وضو وقتی به بحث مسح می رسند در مسئله ۳۵ می فرمایند : « إِنَّمَا يَجُوزُ الْمَسْحُ عَلَى الْحَائِلِ فِي الضَّرُورَاتِ مَا عَدَا التَّقِيَّةَ إِذَا لَمْ يُمْكِنَ رَفْعُهَا وَ لَمْ يَكُنْ بَدٌّ مِنَ الْمَسْحِ عَلَى الْحَائِلِ وَلَوْ بِالتَّأخِيرِ إِلَى آخِرِ الْوَقْتِ ، وَ أَمَّا فِي التَّقِيَّةِ فَالْأَمْرُ أَوْسَعُ فَلَا يَجِبُ الذَّهَابُ إِلَى مَكَانٍ لَا تَقِيَّةَ فِيهِ وَ إِنْ أُمْكِنَ بِلَا مَشَقَّةٍ ، نَعَمْ لَوْ أُمْكِنَهُ - وَ هُوَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ تَرَكَ التَّقِيَّةَ وَ إِرَاءَ تَهْمِ الْمَسْحِ عَلَى الْخَفِّ مَثَلًا - فَالْأَحْوَطُ بَلِ الْأَقْوَى ذَلِكَ وَ لَا يَجِبُ بَذْلُ الْمَالِ لِرَفْعِ التَّقِيَّةِ ، بِخِلَافِ سَائِرِ الضَّرُورَاتِ وَ الْأَحْوَطُ فِي التَّقِيَّةِ أَيْضًا الْحِيلَةُ فِي رَفْعِهَا مُطْلَقًا » حضرت امام رضوان الله عليه در حاشیه عروة در این جا می فرمایند : « مع العلم بعدم الكشف و إلا فلا يجوز » چون اگر بعداً بفهمند می گویند که او منافق است بنابراین ما در اینجا عرض می کنیم که عدم المندوحة شرط نمی باشد... .

و الحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين